

# تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر خودشیفتگی دختران در شبکه‌های اجتماعی با تأکید بر شبکه اجتماعی اینستاگرام

معصومه باقری<sup>۱</sup> / مریم قلیچی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: دی ۱۴۰۱ تاریخ پذیرش نهایی: بهمن ۱۴۰۱

## چکیده

این مقاله، به بررسی نسبت میان دو مفهوم خودشیفتگی و اینستاگرام می‌پردازد و نقش شبکه‌های اجتماعی را در ایجاد یا افزایش خودشیفتگی از پیش موجود افراد بررسی می‌کند. علاوه بر بررسی نظرات کریستوفر لاش درباره جامعه مدرن و خودشیفتگان دوره و زمانه ما، با وام گرفتن از نظریات زیگموند فروید که دو نوع خودشیفتگی اولیه و ثانویه را مطرح کرده است و همچنین نظریه «جامعه‌نمایشی» اروینگ گافمن نسبت اینستاگرام و خودشیفتگی را سنجیدیم، در این بین نظریات بودریار یکی دیگر از نظریات کارگشا در به پیش بردن این پژوهش بوده است. براساس نتایج و نظریه‌های به کار گرفته شده در این پژوهش مشخص شد که بخش عظیمی از توجه فرد در امور زندگی صرف این می‌شود که بازخورد مثبتی از خود برای دیگران ایجاد کند. تمایلات خودشیفتگی تقریباً در همه افراد وجود دارد و اینکه امروزه اینگونه خصلت‌ها بیش‌تر قابل لمس شده است از آنجا ناشی می‌شود که رسانه‌های اجتماعی به ویژه اینستاگرام به یکی از برنامه‌های رایج و همه‌گیر تبدیل شده است و ویژگی‌های این رسانه‌ها امکان بروز و ظهور پدیده‌هایی چون خودشیفتگی را میسر ساخته است.

واژگان کلیدی: خودشیفتگی، شبکه اجتماعی، اینستاگرام.

۱- دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران، (نویسنده مسئول)، پست الکترونیک: m.bagheri@scu.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

### مقدمه و بیان مسئله

دنیایی که امروزه در آن زندگی می‌کنیم به سبب رواج شهرنشینی و شهری‌گری، تأکید بر آزادی‌های فردی و آگاهی یافتن هر فرد از فردیت خویش، دنیای مدرن نامیده شده است. استفاده افراد از شبکه‌های اجتماعی مجازی از مشخصه‌های بارز این عصر است که به نوعی فردیت را در این جامعه رواج داده است و هویت شخصی را تقویت نموده است؛ افراد در غار تنهایی خود فرو رفته و فردگرایی را جایگزین جمع و زندگی جمعی کرده‌اند. حال در این پژوهش برآنیم تا به این پرسش پاسخ دهیم که این تقویت هویت شخصی و فردگرایی چه نسبتی با خودشیفتگی دارد؟ به اعتقاد فروید، جامعه مدرن ماهیتی سرکوبگرانه دارد؛ زیرا فرد را ملزم می‌کند که اختیار خود را به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند تقویض نماید و در واقع به نظر فروید آنچه وی به عنوان «گام اساسی به سوی تمدن» می‌نامد صرفاً، پس از این تقویض اختیار می‌تواند برداشته شود. (فروید، ۱۹۹۱: ۳۲)

به این دلیل اشتباه است اگر تصور کنیم که تمدن برای بشر آزادی را به ارمغان آورده است؛ بلکه تمدن با قرار دادن یک شرط یعنی ادغام در جامعه که شادکامی فرد منوط به تحقق آن است در حقیقت آزادی بشر را محدود کرده است. تمدن نه فقط آدمی را از حفظ هویت فردی محروم می‌کند بلکه همچنین بیماری خودشیفتگی را نیز موجب می‌شود. (پاینده، ۱۳۸۰: ۶)

خودشیفتگی به معنای عشق افراطی به خود و تکیه بر خودانگاشته‌های درونی است. کریستوفر لش معتقد است که خودشیفتگی به صورت یک فرهنگ درآمده و در مخالفت با فروید است که موضوع را فردی و روان‌شناختی می‌بیند. روانکاوی در عین متمرکز کردن توجهش به فرد از تحلیل فرآیندهای اجتماعی غافل نیست. در واقع تحلیل رفتار افراد جامعه جنبه‌هایی از سازوکار رفتار جمعی در آن جامعه را معلوم می‌کند. دیگر اینکه شخصیت فردی باز تولید فرهنگ جامعه است. فرض بنیادین لش این است که بین نوع شخصیت آحاد هر جامعه‌ای با فرهنگ آن جامعه و ملزومات آن فرهنگ، تناسبی وجود دارد. (پاینده، ۱۳۸۰: ۲)

لش در بحثی با عنوان «خودشیفتگی در زمانه ما» تبیین جدیدی از خودشیفتگی به دست می‌دهد که از یکسو با دریافت عامیانه این مفهوم (خودمحوری - تحسین خود) تفاوت دارد و از سوی دیگر به منزله پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی به مدرنیته ربط داده شده است. از دیدگاه او بیماری غالب دنیای مدرن با روان رنجوری‌های دوران فروید فرق دارد. اکنون خودشیفتگی مشخصه بارز کسانی است که از ناراحتی روانی رنج می‌برند. (پاینده، ۱۳۸۹: ۳)

لازم به ذکر است بزرگان چون رایف و بودریار با نگاه لش همگام

هستند و این نوشتار نیز به خودشیفتگی به عنوان امری اجتماعی و فرهنگی نگاه خواهد کرد. خودشیفتگان دوره و زمانه ما افرادی کسل، دلمرده و افسرده‌اند که در زندگی، خود را بی هدف و حتی بی‌ارزش می‌بینند. غالباً خود را به بیماری‌های جسمی مبتلا می‌دانند و لذا دائماً احساس اضطراب دارند. زمانی که دیگران از آن‌ها تعریف می‌کنند اندکی تسکین می‌یابند؛ اما به طور کلی از برقراری ارتباط عمیق با دیگران عاجزند، از زندگی خود لذت نمی‌برند و شادکام نیستند. کریستوفر لش در بحث مبسوطی راجع به زمینه‌های بروز خودشیفتگی؛ دیوان سالاری و ازدیاد تصاویر در فرهنگ معاصر را به عنوان دو عامل اصلی این بیماری ذکر می‌کند. (پاینده، ۱۳۸۰: ۵)

پیشرفت فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در زندگی بشر سهم به سزایی داشته است و نمی‌توان تغییرات بنیادین ناشی از ظهور این فناوری‌ها در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی را نادیده گرفت. شبکه‌های اجتماعی به کاربران امکان ایجاد پروفایل‌های عمومی در دستگاه‌های محدود را می‌دهد. همچنین فهرستی از سایر کاربرانی را ارائه می‌دهد که بین آن‌ها ارتباطی وجود دارد یا مطلبی به اشتراک گذاشته شده است. (کریم پناه به نقل از بوید و الیسون، ۱۳۹۵: ۳۳)

شبکه‌های اجتماعی برای افراد بسیار جذاب هستند؛ چون به فرد فرصت می‌دهند تا تجربیات زندگی شخصی خود را به اشتراک بگذارند، احساساتشان را بیان کنند و بازتاب‌هایی درباره مسائل مختلف اجتماعی مطرح سازند. بنابراین به دلیل گستردگی حوزه تسلط شبکه‌های اجتماعی مجازی در جوامع امروزی، میزان دسترسی به شبکه‌های اجتماعی مجازی، سهولت برقراری ارتباط با افراد مختلف در سراسر دنیا به واسطه استفاده از این شبکه‌ها، با توجه به استقبال روزافزون جوانان از این شبکه‌ها و تأثیری که ممکن است این شبکه‌ها بگذارند، مطالعه و بررسی شبکه‌های اجتماعی مهم است. (آخانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۵)

شبکه اجتماعی اینستاگرام به دلیل قابلیت یافتن دوستان قدیمی، برقراری ارتباط با دوستان و اعضای خانواده، توانایی به اشتراک‌گذاری اطلاعات، عکس، تصاویر مختلف، ویدئو و حتی ثبت لحظه‌ها در مدت مورد نظر عضو شبکه اجتماعی اینستاگرام بیش‌تر مورد توجه این پژوهش قرار گرفته است. بنابراین شبکه اجتماعی اینستاگرام به این دلیل که مبتنی بر تصویر، ابزار وجود فردی و نشر هویت شخصی است می‌تواند بستری برای ظهور و بروز خودشیفتگی باشد.

شاید به سختی بتوان راجع به ارتباط مستقیم خودشیفتگی در میان نسل هزاره با رسانه‌های اجتماعی حکم صادر کرد. اما به نظر می‌رسد رسانه‌های اجتماعی به ویژه شبکه اجتماعی مجازی اینستاگرام که در دنیای امروزه ما، بین افراد به خصوص جوانان و

### مبانی نظری

زیگموند فروید؛ پدر علم روانکاوی، خودشیفتگی را مشکلی صرفاً زنانه تلقی می‌کرد و معتقد بود تنها به این دلیل خود را می‌آرایند که به مردها دست یابند. این تمرکز روی زیبایی‌های فیزیکی سبب شده است که آن‌ها از خودراضی و از نظر احساسی ضعیف باشند. فروید بر این اعتقاد است که مطالعه مستقیم درباره خودشیفتگی واجد برخی دشواری‌های خاص است و عمده‌ترین راه پی بردن به ویژگی‌های این بیماری، احتمالاً تحلیل بیماران هذیان‌زده است. فروید معتقد است که درست همان‌گونه که از راه بررسی روان‌رنجوری‌های انتقال توانسته‌ایم علت تکانه‌های غریزی نیروی شهوی را بیابیم، با بررسی زوال عقل پیش‌رس پارانویا به بصیرت‌هایی درباره روان‌شناسی «خود» می‌رسیم. (فروید، ۱۹۹۱: ۵۳۱)

فروید سه رهیافت: ۱- مطالعه درباره بیماری‌های عضوی، ۲- خود بیمارانگاری و ۳- زندگی شهوانی دو جنس زن و مرد را برای مطالعه خودشیفتگی مورد بررسی قرار می‌دهد. (فروید، ۱۹۹۱: ۱۶۲) فروید در ارزیابی تأثیر بیماری‌های عضوی بر توزیع نیروی شهوی، از دیدگاه ساندر فرنچزی پیروی می‌کند. او در این زمینه معتقد است که فرد مبتلا به نارحتی و درد عضوی، نسبت به جلوه‌های دنیای بیرون بی‌علاقه می‌شود، زیرا آن جلوه‌ها به درد و رنج او ربط پیدا نمی‌کنند و تا زمانی که درد و رنج او ادامه دارد، عشق هم نمی‌ورزد. (باری و فریک، ۲۰۰۳)

خود بیمارانگاری، همچون بیماری‌های عضوی، خود را به صورت حالات و احساسات رنج‌آور و دردناک جسمانی نشان می‌دهد و تأثیرش بر توزیع نیروی شهوی، مشابه تأثیر بیماری‌های عضوی است. فرد خود بیمارانگار علاقه و به ویژه نیروی شهوی‌اش را از ابره‌های دنیای بیرون برمی‌گرداند و هر دو را به آن عضوی از بدنش که توجه او را به خود مشغول کرده متمرکز می‌کند. فروید در این زمینه به یک نتیجه کلی می‌رسد و آن این است که می‌توان احتمال داد که نسبت خود بیمارانگاری با هذیان‌زدگی، مشابه نسبت سایر روان‌رنجوری‌های «واقعی» با هیستری و روان‌رنجوری وسواسی است. (بروکز، ۲۰۱۵)

سومین رهیافت برای مطالعه در خصوص خودشیفتگی، عبارت است از مشاهده زندگانی شهوانی انسان‌ها با همه انواع تفاوت‌هایش در زن و مرد. فروید معتقد است درست همان‌گونه که نیروی شهوی متمرکز به مصداق امیال در ابتدا نیروی شهوی متمرکز بر «خود» را از مشاهدات ما پنهان داشت، ایضاً در مورد مصداق‌گزینی نوزادان و (کودکان در حال رشد) نیز آنچه ابتدا توجه ما را به خود جلب کرد این بود که آنان مصداق‌های امیال جنسیشان را بر حسب نحوه ارضا شدنشان برمی‌گزینند. نخستین ارضاهای جنسی مبتنی بر

نوجوانان به علت استفاده از تصاویر و ویدئوها جایگاه بالایی دارد به خودشیفتگی از پیش موجود افراد دامن زده و آن را تثبیت می‌کنند. (شعبانی و شکری، ۱۳۹۸)

رفتارهایی مانند تلاش برای جذب تعداد بیش‌تر لایک‌ها، انتشار تعداد بیش‌تر تصاویر زندگی شخصی، جذب بیش‌تر دنبال‌کننده‌ها و ... از موارد نشان‌دهنده اختلال خودشیفته هستند. همچنین برخی تحقیقات نشان داده‌اند که این رفتارها در جوانان بیش‌تر مشاهده می‌شوند. در این پژوهش برآنیم تا دریابیم شخصیت‌های دچار اختلال شخصیت خودشیفته در اینستاگرام تا چه حد از این اختلال آگاه هستند و چنین رفتارهایی را چگونه تعبیر و تفسیر می‌کنند؟ چه تجربه‌ای در این خصوص دارند؟ شرایط فردی و اجتماعی آن‌ها چگونه است؟ با استناد به پیشینه تحقیق آورده شده در این نوشتار که براساس جست‌وجویی دقیق و پیگیرانه انجام شده است، به نظر می‌رسد که عدم وجود مطالعه‌ای علمی برای شناخت رابطه خودشیفتگی (چه در حوزه فردی و چه در حوزه اجتماعی) و شبکه اجتماعی اینستاگرام احساس می‌شود. چنین تحقیقی از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند با استفاده از روش‌های علمی در مورد این رابطه در رسانه‌ها و ... شناخت بیش‌تری به جامعه علمی عرضه دارد. (عبدی و همکاران، ۱۴۰۰)

شبکه‌های اجتماعی مجازی که چند سالی است رواج گسترده‌ای در کشور یافته‌اند، همیشه از عناصر بحث برانگیز در جامعه هستند. خانواده به عنوان اصلی‌ترین نهاد در ایران در قبال شبکه‌های اجتماعی با چالش رو به رو است چون تصویر درستی از آثار و تبعات استفاده از این شبکه‌ها در دست ندارد. از سوی دیگر بازار اظهار نظر در مورد شبکه‌های اجتماعی در رسانه‌های مختلف نیز داغ است که امکان دارد برخی از آن‌ها بدون پایه علمی و براساس حدس و گمان باشد. آمارها حاکی از آن است که شبکه اجتماعی اینستاگرام، بالغ بر ۲ میلیون کاربر ایرانی دارد؛ این عدد یعنی حدود ۳ درصد جمعیت کشور با این ابزار درگیر هستند که بر اهمیت مطالعه این شبکه اجتماعی مهر تأیید می‌زند. رسانه‌های اجتماعی در اصل به عنوان ابزارهایی برای ایجاد ارتباط با دیگران و بیرون آمدن از تنهایی طراحی شده‌اند، اما در واقع، تجربه حضور در آن‌ها معمولاً حسی از تنهایی و انزوا به ما می‌دهد. شاید دلیل این تناقض، محدودیت این رسانه‌ها در بازنمایی کامل زندگی انسانی باشد. نتایج تحقیقاتی از این دست به نهادهای متولی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در حوزه خانواده و آموزش کمک خواهد کرد تا در فعالیت‌های خود موفق‌تر عمل نمایند.

جست. در اکثر زنانی که می‌شناسیم (احتمالاً پاکدامن‌ترین و صادق‌ترین زنان)، فرآیند متفاوتی رخ می‌دهد. با شروع بلوغ، رشد کامل آلات تناسلی زنانه که تا آن زمان در حالت بالقوه بوده‌اند، ظاهراً خودشیفتگی اولیه را تشدید کنده و این بر تحقق مصداق‌گزینی واقعی و مبالغه جنسی ملازم با آن تأثیر نامطلوبی باقی می‌گذارد. زنان، به ویژه اگر در بزرگسالی چهره‌های زیبا داشته باشند، از خودراضی می‌شوند و آن محدودیت‌های اجتماعی را که بر مصداق‌گزینی‌شان تحمیل می‌شود با این احساس جبران می‌کنند. به عبارت دقیق‌تر، این قبیل زنان فقط به خویشتن عشق ورزند، عشقی که در شدت و حدت مانند عشق مردان به آنان است. همچنین آنان نیازی به عشق ورزیدن ندارند، بلکه فقط می‌خواهند که کسی آنان را عاشقانه دوست بدارد و لذا آن مردی که واجد این شرط باشد محبوب دل آن‌ها خواهد بود. برای این نوع زن در زندگانی شهوانی بشر باید اهمیت بسیار فراوانی قائل شد. مردان به شدت مفتون این قبیل زنان می‌شوند، نه فقط به دلیل این که زنان یادشده زیبا هستند (چون معمولاً زیباترین زنان‌اند)، بلکه همچنین به سبب مجموعه‌ای از عوامل جالب روانی، زیرا کاملاً واضح است که وقتی فردی بخشی از خودشیفتگی خود را کنار می‌گذارد و عشق به مصداق امیال را می‌جوید، خودشیفتگی کسی غیر از خودش برای او بسیار گیرا خواهد بود. فروید بیماران خودشیفته را به اصطلاح «هذیان زده» می‌نامد و معتقد است: هذیان زدگان دارای دو ویژگی اساسی هستند: خودبزرگ‌بینی و بی‌علاقگی به دنیای بیرون از خودشان (یا به عبارتی، بی‌علاقگی به انسان‌ها و اشیا).

از نظر فروید این بیماران واقعا نیروی شهوی خود را از انسان‌ها و اشیای دنیای بیرون منقطع کرده ولی هیچ انسان یا شیئی را از خیال خود جایگزین آن‌ها نکرده‌اند. این نیروی شهوی پس از انقطاع از دنیای بیرون به «خود» معطوف می‌گردد و بدین‌سان نگرشی را به وجود می‌آورد که می‌توان آن را خودشیفتگی نامید. لیکن خود بزرگ‌بینی فی نفسه پدیده جدیدی نیست. فروید دو نوع خودشیفتگی را تعریف می‌کند: ۱- خودشیفتگی اولیه و ۲- خودشیفتگی ثانویه. (کریمی و میرزایی جاهد، ۱۳۹۹)

پرسش خود را اینگونه مطرح می‌کند که: انسان‌ها از زندگی چه می‌خواهند و به چه چیز نائل می‌شوند؟ به نظر فروید پاسخ تردیدناپذیر این سؤال آن است که انسان‌ها در تکاپوی نیل به شادکامی‌اند، آن‌ها می‌خواهند شادکام شوند و شادکام بمانند.

شالوده نظریه تمدن فروید درباره خودشیفتگی این موضوع است که آدمی از سه طرف در معرض محنت قرار دارد: ۱- از طرف بدنش ۲- از طرف دنیای بیرون و ۳- روابطی که با سایر افراد جامعه دارد. با توجه به این نظریه از آنجایی که اینستاگرام دقیقاً به نوعی ارتباط با دنیای بیرون و برقراری ارتباط با سایر افراد است؛ نظریه فروید در

خودانگیزی جنسی در پیوند با کارکردهای حیاتی‌ای تجربه می‌شوند که هدف از آن‌ها بقای خود است. غرایز جنسی در بدو امر به ارضای غرایز «خود» الحاق می‌شوند و فقط در مراحل بعدی قائم به ذات می‌گردند. لیکن حتی به هنگام استقلال غرایز جنسی، باز هم نشانه‌ای از الحاق اولیه آن‌ها وجود دارد، زیرا آن کسانی که عهده دار غذا دادن و نگهداری و مراقبت از کودک هستند (یعنی در وهله نخست مادر کودک یا شخص جایگزین مادر)، اولین مصداق‌های امیال جنسی او می‌شوند. اما در کنار این نوع مصداق‌گزینی و این منبع مصداق‌گزینی، که می‌توان آن را «تکیه گاه جویانه» یا «الحاقی» نامید، تحقیقات روانکاوانه نوع دومی از مصداق‌گزینی را آشکار کرده است، که به ذهن ما خطور نمی‌کرد. ما دریافته‌ایم که به ویژه آن کسانی که رشد نیروی شهوی شان دچار اختلال شده است (مانند منحرفان جنسی و همجنس‌گرایان)، در گزینش بعدی‌های مصداق‌عشقشان، نه مادر خود بلکه نفس خودشان را الگو قرار داده‌اند. آنان به وضوح خودشان را در مقام مصداق عشق می‌طلبند و مصداق‌گزینی‌شان چنان است که باید آن را «مبتنی بر خودشیفتگی» نامید. مشاهدات ما در این زمینه مجاب‌کننده‌ترین دلیلی بوده که ما را به اتخاذ نظریه خودشیفتگی رهنمون کرده است. با این حال، ما چنین نتیجه نگرفته‌ایم که انسان‌ها را برحسب این که مصداق‌گزینی‌شان از نوع تکیه‌گاه جویانه است یا از نوع مبتنی بر خودشیفتگی می‌توان به دو گروه کاملاً مجزا تقسیم کرد. (چیک، هندیک و وینک، ۲۰۱۳: ۱۹)

بلکه فرض ما این است که هر فردی می‌تواند به هر دوی این شیوه‌ها مصداق‌گزینی کند، هر چند که فرد یاد شده ممکن است یکی از این دو شیوه را بر دیگری ترجیح بدهد. ما می‌گوییم که انسان در بدو امر از دو مصداق برای امیال جنسی‌اش برخوردار است (خودش و آن زنی که از او مواظبت می‌کند و شیرش می‌دهد) و به این ترتیب فرض می‌کنیم که خودشیفتگی اولیه به همه انسان‌ها حادث می‌شود و ممکن است در برخی موارد خود را به شکلی بارز در مصداق‌گزینی افراد نشان دهد. مقایسه دو جنس مذکر و مونث همچنین نشان می‌دهد که مصداق‌گزینی آنان اساساً با یکدیگر فرق دارد، هر چند که البته این تفاوت‌ها همگانی نیستند. عشق کاملاً الحاقی به مصداق امیال، به مفهوم اخص کلمه، ویژگی مردان است. مبالغه چشم‌گیر جنسی در این نوع عشق، یقیناً از خودشیفتگی اولیه کودک ناشی می‌شود و لذا با انتقال آن خودشیفتگی به مصداق امیال جنسی تناظر دارد. این مبالغه جنسی سرچشمه حالت خاص عاشق‌شدگی است؛ حالتی که یادآور تمایلی مبرم و روان رنجورانه هم هست و لذا علت آن را در ضعف «خود» (به دلیل عدم برخوردارگی از نیروی شهوی) و قوت مصداق محبوب می‌توان

برقراری روابط عمیق عاطفی با دیگران عاجزند و لذا از زندگی خود لذت نمی‌برند و شادکام نیستند. لاش در بحث مبسوطی راجع به زمینه‌های بروز خودشیفتگی، دیوانسالاری و ازدیاد تصاویر در فرهنگ معاصر را به عنوان دو عامل اصلی این بیماری ذکر می‌کند. از آنچه گفته شد چنین برمی‌آید که وجه افتراق رهیافت لاش و فروید به مفهوم خودشیفتگی این است که یکی از راه تحلیل فرهنگی (یعنی با استناد به فرایندهای اجتماعی در جامعه مدرن) آن را تبیین می‌کند، حال آنکه دیگری آن را ماحصل فرایندهایی کاملاً درونی (یعنی فرایندهای درون روان فرد) می‌داند. (روشن‌زاده و رضایی، ۱۳۹۵: ۲۳)

پس می‌توان نتیجه گرفت که رهیافت فروید به خودشیفتگی در اواخر عمر او دچار تحولی مهم شد، یعنی زمانی که وی توجه خود را از مسائل مربوط به روانرنجوری فردی به مسائل کلی‌تر در خصوص تمدن، فرهنگ و بیماری اجتماعی معطوف کرد. این همان عطف توجهی است که در مقاله کریستوفر لاش مسکوت مانده، اما در بحث بدیع او درباره خودشیفتگی در دوره و زمانه ما مشهود است. (عسگری و همکاران، ۱۳۹۴)

به اعتقاد فروید، جامعه مدرن ماهیتی سرکوبگرانه دارد، زیرا فرد را ملزم می‌کند که اختیار خود را به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند تفویض نماید. در واقع، به نظر فروید، آنچه وی «گام اساسی به سوی تمدن» می‌نامد، صرفاً پس از این تفویض اختیار می‌تواند برداشته شود. (فروید، ۱۹۹۱)

به این دلیل، اشتباه است اگر تصور کنیم که تمدن برای بشر آزادی را به ارمان آورده است، بلکه تمدن با قرار دادن یک شرط (ادغام در جامعه) که شادکامی فرد منوط به تحقق آن است، در حقیقت آزادی بشر را محدود کرده است. بنابراین لاش در کتاب خود با اشاراتی به نظریات فروید تفاوت نظر خود را با او بیان می‌کند و برخلاف فروید که خودشیفتگی را امری درونی تلقی می‌کرد لاش آن را به تمدن و جامعه و ... نسبت می‌دهد. در واقع همان‌طور که در بالا به آن اشاره شد ازدیاد تصاویر یکی از عوامل اصلی بروز خودشیفتگی است و از آنجایی که قسمت دوم پژوهش ما را شبکه اجتماعی اینستاگرام پوشش می‌دهد و این شبکه دقیقاً با تصاویر سرو کار دارد نظریات لاش می‌تواند راهگشای مهمی در این بحث باشد.

### روش پژوهش

در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از روش مصاحبه استفاده شده است و برای تحلیل اطلاعات از تحلیل مضمون استفاده می‌کنیم؛ که یکی از فنون تحلیلی مناسب در تحقیقات کیفی است و به خوبی برای شناخت و ارائه الگوهای موجود در داده‌های کیفی

این زمینه می‌تواند منبع خوبی برای نتیجه‌گیری هرچه بهتر شناخت بین دو متغیر اینستاگرام و خودشیفتگی باشد. براساس نکات گفته شده از فروید و از آنجایی که فروید خودشیفتگی را اغلب مشکلی زنانه می‌داند نظریات او در این زمینه می‌تواند کمک شایان توجهی به موضوع پژوهش ما کند. (خدابنده لو و رحیمیان، ۱۳۹۷)

کریستوفر لاش، نظریه‌پرداز اجتماعی و استاد تاریخ در دانشگاه راجستر آمریکا در کتاب بسیار معروف خود به نام فرهنگ خودشیفتگی؛ معتقد است که فرهنگ غرب را بحرانی همگانی فرا گرفته است. لاش این بحران فرهنگی را ناشی از آنچه «بحران اعتماد» می‌نامد. به عبارتی، این کتاب کاوشی است در خصوص بعد روان‌شناختی تحولات عمده‌ای که در ساختار اقتدار فرهنگی در جامعه معاصر صورت گرفته است. لاش در این کاوش از مفاهیم روانکاوی فرویدی بهره می‌گیرد و به این سبب چه بسا این پرسش برای خواننده مطرح شود که وی چگونه این تناقض را حل می‌کند که روانکاوی به ضمیر ناخودآگاه فردی می‌پردازد و حال آنکه موضوع بررسی‌های اجتماعی، رفتار جمعی انسان‌هاست؟ برای این پرسش، لاش دو پاسخ دارد: نخست اینکه، روانکاوی در عین متمرکز کردن توجه‌اش به فرد، از تحلیل فرایندهای اجتماعی غافل نیست. در واقع، تحلیل رفتار افراد جامعه، جنبه‌هایی از ساز و کار رفتار جمعی در آن جامعه را معلوم می‌کند. دیگر اینکه، شخصیت فردی، بازتولید فرهنگ جامعه است. فرض بنیادین لاش در این کتاب این است که بین نوع شخصیت‌های هر جامعه با فرهنگ آن جامعه و ملزومات آن فرهنگ، تناسبی وجود دارد. (لاش، ۱۹۷۹: ۲۷)

لاش نیز در مقاله خود همان‌طور که در نظریات فروید به آن اشاره شد؛ اساساً به خودشیفتگی ثانوی نظر دارد، اما برخلاف شیوه‌ای که فروید در «پیش‌درآمدی بر خودشیفتگی» در پیش می‌گیرد، آن را با اشاره به عطف نیروی شهوی از دنیای بیرون به دنیای درون شخص تبیین نمی‌کند. وی ابتدا ضمن جدل با اریک فروم و سایر نظریه‌پردازانی که «منتقدان متاخر خودشیفتگی نوین» می‌نامدشان، بین مفهوم روان‌شناختی خودشیفتگی و مفهوم عامیانه «خودخواهی» تمایز قائل می‌شود و در گام بعدی، ریشه‌های فرهنگی این بیماری را برمی‌شمرد، ریشه‌هایی که به اعتقاد او عمیقاً با مدرنیته و نحوه زندگی و کار در جامعه مدرن پیوند دارد. نشانه‌های خودشیفتگی نوین برای روانکاو امروزی، جدید و بی سابقه به نظر می‌آید. خودشیفتگان دوره و زمانه ما افرادی کسل و دل‌مرد و افسرده‌اند که زندگی خود را بی هدف و حتی بی ارزش می‌بینند غالباً؛ خود را به انواع بیماری‌های جسمی مبتلا می‌دانند و لذا دائماً احساس اضطراب دارند، زمانی که دیگران از آن‌ها تعریف و تمجید می‌کنند، اندکی تسکین می‌یابند، اما به طور کلی از

داد. با توجه به پاسخ مصاحبه‌شوندگان و اهداف تحقیق جدول ذیل که نشان‌دهنده نمونه نتایج تحلیل مضمون و برخی مضامین خودشیفتگی در کاربران فعال اینستاگرام است به دست آمد. همان‌طور که مضامین ماتریس نشان می‌دهد، پاسخ پاسخ‌گویان را می‌توان به پنج مضمون اصلی تقسیم‌بندی نمود. (جدول ۱)

حال به بررسی مقوله‌های اصلی و فرعی با توجه به پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان و نظریه‌های مطرح شده می‌پردازیم.

### تکنیک‌های خودنمایی

یکی از اهداف پژوهش حاضر شناخت تکنیک‌هایی است که خودشیفتگان برای نمایش خود در اینستاگرام به کار می‌برند. این مضمون در پاسخ به سؤالات زیر است: چه مدتی است که در اینستاگرام فعالیت می‌کنید؟ چه اتفاقی افتاد که شما به سمت نصب اینستاگرام سوق پیدا کردید؟ و همچنین بعد از نصب این برنامه علت نگه داشتن آن چه بود؟ چرا مانند برنامه‌هایی مثل وایبر، لاین و ... دچار رکود نشد؟ آیا برای گذاشتن عکس و ویدئو در اینستاگرام آن‌ها را ادیت می‌کنید یا به همان صورتی که هستن آن‌ها را به اشتراک می‌گذارید؟ از جمله تکنیک‌هایی که تقریباً تمامی افراد مصاحبه‌شونده به آن در توضیحات خود اشاره کردند، ارتباط بصری اینستاگرام است. یعنی تماماً یکی از جذابیت‌های اینستاگرام را استفاده از عکس و فیلم می‌دانند و همین عاملی برای برقراری ارتباط آسانتر افراد با یکدیگر است. برای مثال یکی از مصاحبه‌شوندگان گفت: به نظر من یکی از رمزهای موفقیت اینستاگرام استفاده از عکس و ویدئوست و برای ما همیشه ارتباط بصری راحت‌ترین نوع ارتباط است و حتی اگر کپشن را نخوانیم از عکس اطلاعات زیادی دستگیرمان می‌شود و در یک ویدئو یک دقیقه‌ای کلی اطلاعات به دست می‌آید. مصاحبه‌شونده ۲۶ ساله دیگری که نسبتاً فعالیت زیادی در اینستاگرام دارد می‌گوید: من اگر عکس خوب پیدا کنم حتماً در اینستاگرام منتشر می‌کنم و تمامی لحظه‌های خوب و بدم را با دیگران به اشتراک می‌گذارم و معتقد بود کاربران اینستاگرام در حال حاضر حتی از غذا خوردن و هرچیز ریز و درشتی که در زندگی‌شان اتفاق می‌افتد عکس می‌گذارند. از جمله تکنیک‌های دیگر برای خودنمایی افراد، سرکوب کردن بخش‌های منفی خود است؛ چراکه تمامی افراد بدون استثناً با تأکید بر این نکته که برای گذاشتن پست در اینستاگرام حتماً عکس خود را ادیت می‌کنند بر این نکته صحه گذاشتند و فردی در این خصوص به این موضوع اشاره کرد که من تنها عکسی را در اینستاگرام منتشر می‌کنم که حتماً از همه جهت خوب باشد و اگر خوب نباشد حتی اگر آن را دوست داشته باشم پست نمی‌گذارم.

قابل استفاده است. از این رو در پژوهش حاضر با روش کیفی، به مصاحبه با کاربران اینستاگرام خواهیم پرداخت تا بتوانیم با سؤالات مرتبط در زمینه دو مبحث اصلی موضوع یعنی اینستاگرام و خودشیفتگی به کشف رابطه و نسبت این دو با یکدیگر بپردازیم. جامعه مورد بررسی در این پژوهش کاربران زن جوان اینستاگرام هستند که ساکن شهر اهواز می‌باشند. البته کاربرانی مد نظر قرار گرفته‌اند که در اینستاگرام فعال هستند نه زنانی که فقط دارای حساب کاربری هستند و هیچگونه فعالیت به خصوصی در این شبکه اجتماعی ندارند. چراکه هدف ما در این پژوهش این است که از طریق مصاحبه با کاربران به بررسی نسبت دو مقوله اینستاگرام و خودشیفتگی بپردازیم و بدین منظور لازم است که کاربران در این شبکه فعال باشند. بررسی صفحه اینستاگرام تمام کاربران زن جوانی که در این شبکه فعال هستند کار بسیار وقت‌گیری است و از سوی دیگر پیدا کردن تمام این کاربران نیز به خودی خود بسیار دشوار است چرا که آمار دقیقی از کاربران فعال وجود ندارد. بنابراین به صورت تصادفی تعداد ۲۰ نفر از زنان جوان کاربر اینستاگرام را انتخاب و با ۲۰ مصاحبه به و کمک و راهنمایی از نظریه‌های به کار گرفته شده به نتایج مورد نظر دست یافتیم.

### یافته‌های پژوهش

داده‌های مورد نیاز برای این پژوهش با مصاحبه گردآوری و با بهره‌گیری از شیوه تحلیل مضمون، کدگذاری و با استفاده از ماتریس مضامین شدند. با مطالعه و تحلیل سطر به سطر مصاحبه‌ها، واحدهای معنایی متن استخراج و کدگذاری اولیه انجام شد، سپس کدهای معنایی مشابه در یک طبقه قرار گرفتند و در راستای اهداف و سؤالات تحقیق در ماتریس مقوله‌های اصلی و فرعی دسته‌بندی شدند. در ابتدا سؤالاتی با توجه به موضوع پژوهش طراحی شد و با هر مصاحبه‌شونده به صورت جداگانه مصاحبه شد. در خلال مصاحبه با توجه به صحبت‌های فرد سؤالاتی جدا از سؤالات آماده شده پیش آمد که در نتیجه پژوهش کارآمد بود. در ابتدای تحلیل هر مضمون، سؤالات مرتبط با آن مضمون که قبلاً به آن‌ها اشاره شده، آمده است ولی ذکر این نکته ضروریست که در تحلیل هر کدام از مضامین غالباً سؤالات با یکدیگر هم‌پوشانی دارند بدین معنا که یک سؤال مشخص برای یک مضمون مشخص به کار برده نشده است و شاید سؤالات برای دو مضمون مشترک باشند. چرا که سؤالات با یکدیگر هم‌پوشانی دارند و در واقع مکمل یکدیگر و در پایان تکمیل‌کننده هر یک از مضامین هستند. در این بخش ابتدا به بررسی کلی ماتریس مقوله‌های اصلی و فرعی یافته‌های تحقیق خواهیم پرداخت و سپس هر یک از مقولات را به تفکیک مورد تحلیل و بررسی قرار خواهیم

و افسرده‌اند که زندگی خود را بی هدف و حتی بی ارزش می‌بینند؛ غالباً خود را به انواع بیماری‌های جسمی مبتلا می‌دانند و لذا دائماً احساس اضطراب دارند؛ زمانی که دیگران از آن‌ها تعریف و تمجید می‌کنند، اندکی تسکین می‌یابند؛ اما به طور کلی از برقراری ارتباط عمیق عاطفی با دیگران عاجزند و لذا از زندگی خود لذت نمی‌برند و شادکام نیستند. لاش در بحث مبسوطی راجع به زمینه‌های بروز خودشیفتگی، دیوان سالاری و ازدیاد تصاویر در فرهنگ معاصر را به عنوان دو عامل اصلی این بیماری ذکر می‌کند. بنابراین همان‌طور که به آن اشاره شد، افراد با پخش تصاویر و ویدئوهای مختلف به مناسبت‌های مختلف و اشتراک‌گذاری لحظه‌ها و علائق خود با دیگران به منظور دریافت لایک از سمت دیگران و گرفتن تحسین و ستایش از سوی آن‌ها و در مواردی گفت‌وگو با آن‌ها در بخش کامنت‌ها به خودنمایی در اینستاگرام می‌پردازند و در این میان سعی در انتشار عکس‌های هرچه بهتر از خود و همراهشان در لحظه‌های مختلف دارند و در واقع با ادیت کردن و دادن افکت به عکس‌ها و ویدئوهای خود سعی در سرکوب بخش‌های منفی خود دارند.

#### علائق مبتنی بر خودشیفتگی در کاربران اینستاگرام:

کاربران فعال در اینستاگرام هریک به نحوی سعی در نمایش خود و موقعیتشان دارند و در پاسخ‌های تمامی آن‌ها اگرچه نحوه بیان و نوع فعالیت‌شان متفاوت است اما به یک نکته مشترک می‌رسیم و آن هم خواست شناخته شدن به عنوان برنده در چشم دیگران است. کاربران اینستاگرام علاقه دارند که خود را به دیگران نشان دهند و این نمایش در سطح بسیار قوی در وجه مثبت آن است. آن‌ها دوست دارند به چشم برنده در دید دیگران به شمار آیند. برای مثال یکی از کاربران فعالی که مدتیست از فضای اینستاگرام دوری کرده است و تصمیم گرفته تا مدتی از فضای خودنمایی به قول خودش به دور باشد می‌گوید: من همیشه هر دستاورد یا موفقیتی را که به دست آورده‌ام به نمایش گذاشته‌ام؛ چراکه دوست دارم از سوی دیگران مورد تشویق قرار بگیرم. بنابراین تکمیل‌کننده این خواسته، مشتاق ستایش و تحسین قرار گرفتن از سوی دیگران است. در موردی دیگر، مصاحبه‌شونده ابراز کرد: من برای مناسبت‌های خاص مانند تولد فرزندم حتماً کلیپی ترکیبی از عکس‌های او را درست می‌کنم و در اینستاگرام منتشر می‌کنم تا همه این کلیپ را ببیند و به او تبریک بگویند. من دوست دارم همه در این حس خوب با من شریک باشند و اینستاگرام این شرایط را به راحتی برای من فراهم می‌کند؛ چراکه اگر می‌خواستم این کلیپ را برای همه در تلگرام به صورت تک تک بفرستم کار بسیار مسخره‌ای به نظر می‌رسید و حتی شاید خیلی‌ها من را به مسخره می‌گرفتند. او معتقد است اینستاگرام از بهترین نرم‌افزارهاییست که در آن می‌توان حس

تقریباً همه افراد در پاسخ به این سؤال که هدف و انگیزه شما از پست گذاشتن در اینستاگرام چیست پاسخ دادند که به اشتراک گذاشتن علائق و لحظه‌هایمان با دیگران است. مصاحبه‌شونده ۲۵ ساله هدف خود را به اشتراک گذاشتن لحظه‌هایش با دیگران دانست و معتقد بود با گذاشتن این عکس از دنبال‌کننده‌های خود انرژی می‌گیرد و این انرژی حتی اگر ظاهری هم باشد در آن لحظه حس خوبی وجودش را سرشار می‌کند. یکی دیگر از کاربران فعال ۲۹ ساله اینستاگرام معتقد بود اینستاگرام به شدت باهوش است و براساس علاقه‌مندی انسان‌ها جلو می‌رود و می‌فهمد که من به چه چیزی علاقه دارم و همان را به من پیشنهاد می‌دهد. کاربر ۱۶ ساله می‌گوید: حتماً باید عکاس از من عکس بگیرد تا آن‌ها را در اینستاگرام منتشر کنم و عکس‌هایم را به نوع خاصی که متفاوت از دیگران باشد به اشتراک می‌گذارم و سعی می‌کنم صفحه خاصی داشته باشم دیگری می‌گوید: من همیشه به این فکر می‌کنم که پستی که می‌گذارم از نظر بقیه مسخره نباشد و بقیه متوجه منظور من بشوند. کاربران اینستاگرام لایک کردن را به منزله تحسین فرد و کامنت گذاشتن برای یکدیگر را به منزله میدان گفت‌وگو می‌بینند. هماهنگی عکس و متن برای اکثر افراد مهم بود و متن را عاملی برای جلب توجه دنبال‌کننده‌های خود می‌دانستند. خیلی از کاربران به این موضوع اشاره کردند که من زمان زیادی را صرف پیدا کردن متن برای عکسم می‌کنم و حتی اگر مرتبط هم نباشند باید حتماً عکس و کپشنم خوب باشند تا به خاطر متن نوشته من هم که شده عکس من را لایک کنند. در این خصوص و با توجه به بررسی توضیحات مصاحبه‌شوندگان تمامی مفاهیم در نظریه نمایشی گافمن قابل مشاهده است؛ چراکه گافمن در نظریه خود به مفهوم توانمندی می‌پردازد و معتقد است توانمندی، هر نوع فعالیتی است که فرد در موقعیت معین از خود نشان می‌دهد تا دیگری را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین این توانمندی در فضایی صورت می‌گیرد که فرد در پشت و روی صحنه رفتارهای متفاوتی از خود نشان می‌دهد و گافمن این موضوع را چارچوب صحنه می‌خواند که مخاطبان و کنشگران بر روی آن به اجراهای تئاتری و نمایشی خود می‌پردازند. این نظریه دقیقاً در کاربران اینستاگرام به صورت تمام و کمال قابل مشاهده است؛ چرا که اینستاگرام به صحنه‌ای تبدیل شده است که کاربران آن با اجراهای نمایشی خود بر روی صحنه که با رفتارهای آن‌ها در پشت صحنه کاملاً متفاوت است، سعی در تحت تأثیر قرار دادن دیگران دارند و بسیاری از مصاحبه‌شوندگان با اشاره بر این موضوع که افراد خود غیر واقعی‌شان را در اینستاگرام به نمایش می‌گذارند این موضوع را تأیید کردند. همچنین در این خصوص اشاره به نظر کریستوفر لاش لازم به نظر می‌رسد: خودشیفتگان دوره و زمانه ما افرادی کسل و دلمرده

ساله می‌گوید: همسرم اینستاگرام را نصب کرده بود و خیلی درگیر آن شده بود و من برای اینکه بفهمم همسرم در اینستاگرام چه می‌کند آن را نصب کردم.

در پاسخی دیگر که شاید بتوان این پاسخ را از نشانه‌های پیامد تمدن دانست به این پاسخ بر می‌خوریم که: وقتی چیزی مد می‌شود همه به سمت آن سوق پیدا می‌کنند، اینستاگرام هم در یک بازه زمانی به شدت اوج پیدا کرد و در بین مردم جایگاه بالایی به دست آورد و در واقع مد شد و من هم مثل همه افراد دیگر آن را نصب کردم. در این پاسخ‌ها ما نوعی گرایش به ادغام فرد و جامعه را می‌بینیم که افراد تمایل به هم‌رنگ شدن با دیگران و ادغام خود با دیگران را دارند و حس وابستگی خود به دیگر انسان‌ها و برقراری ارتباط با آن‌ها را از این طریق ارضا می‌کنند. در این قسمت اشاره به این نکته ضروری است که لاش معتقد است ساختار زیربنایی شخصیتی جامعه در حال تغییر است. او می‌گفت آمریکایی‌هایی که سابقاً ساده و صبور بودند، به ارضای دائمی امیال خود اعتیاد پیدا کرده‌اند. وی مدعی است که فناوری‌های نو، آمریکایی‌ها و به ویژه زنان را به محصولات تجاری وابسته کرده است و از اینرو آن‌ها عزت نفس خود را از دست داده‌اند. این موضوع دقیقاً در میان کاربران اینستاگرام و انواع سرچ آن‌ها قابل مشاهده است. بنابراین اشتباه است که تصور کنیم تمدن، برای بشر آزادی را به ارمغان آورده است؛ بلکه تمدن با قرار دادن یک شرط (ادغام در جامعه) که شادکامی فرد منوط به آن است در حقیقت آزادی بشر را محدود کرده است. تمدن نه فقط آدمی را از حفظ هویت فردی محروم می‌کند، همچنین بیماری خودشیفتگی را موجب می‌شود؛ لذا اینستاگرام به عنوان یکی از پیامدهای تمدن با دادن هویت مجازی به افراد، دست یازی به شادکامی را برای آنان به ارمغان می‌آورد؛ چراکه انسان‌ها در تکاپوی نیل به شادکامی‌اند، آن‌ها می‌خواهند شادکام شوند و شادکام بمانند و اینستاگرام با جمع کردن افراد انسانی در کنار هم از طریق ارتباط بصری، شادی لحظه‌ای را برای کاربران ایجاد می‌کند. فروید معتقد است در جامعه مدرن صنعتی کنونی چنان گرایشی به ادغام فرد وجود دارد که امکان زندگی توأم با انزوا را از میان می‌برد و فرد را به جامعه وابسته می‌کند و همین امر در میان کاربران اینستاگرام به وضوح قابل مشاهده است.

**ابعاد و رفتارهای مبتنی بر خودشیفتگی:** رسانه‌های اجتماعی در اصل به‌عنوان ابزارهایی برای ایجاد ارتباط با دیگران و بیرون از آمدن از تنهایی طراحی شده‌اند، اما در واقع، تجربه حضور در آن‌ها معمولاً حسی از تنهایی و انزوا را به ما می‌دهد. شاید دلیل این تناقض، محدودیت این رسانه‌ها در بازنمایی کامل زندگی انسانی باشد. شبکه‌های اجتماعی ظرفیتی برای بیان غم‌ها، تردیدها

کنکجاوی را ارضا کرد و در آن افراد به صورت بلد تجمل‌گرایی را که امروزه بسیار همه‌گیر شده است به نمایش می‌گذارند. کاربر ۱۷ ساله دیگری در پاسخ خود به این موضوع اشاره می‌کند: اگر کسی در زیر پست‌های من کامنتی بگذارد که من را ناراحت کند و آن را دوست نداشته باشم بدون اینکه خود را با آن فرد درگیر بکنم کامنت او را پاک می‌کنم؛ چرا که دوست ندارم دیگران کامنت او را ببیند و نسبت به من و پست منتشر شده‌ام حس بدی پیدا کنند.

این جمله مصداق بارز مشتاق ستایش و تحسین بودن از سوی دیگران و همچنین داشتن حس و دید خوب دیگران نسبت به ماست. این کاربر معتقد است هدفش از گذاشتن عکس در اینستاگرام به یادگار ماندن لحظه‌هاییست که او دوست داشته با دیگران شریک باشد. یکی از کاربران که در زبان فرانسه نیز تحصیلات دانشگاهی دارد، می‌گوید: من در اینستاگرام دو صفحه ساختم، یکی صفحه ایست که با دوستان و آشنایانم در ارتباطم و دیگری صفحه ایست که تنها کاربرانی را دنبال می‌کنم که فرانسوی هستند و برقراری ارتباط با این افراد به من حس خوبی می‌دهد و گرفتن لایک از آن‌ها برایم بسیار جذاب و مهم است. او معتقد است افراد فرانسوی نیز برایشان بسیار جالب است که با فردی ایرانی که مانند آن‌ها مسلط به زبان فرانسه است ارتباط برقرار کنند. این مسئله دقیقاً مصداق یافتن کسانی است که ما شبیه به آن‌ها هستیم و یا با آن‌ها هم سلیقه‌ایم و این شباهت در برقراری ارتباط با آن‌ها به فرد حس آرامش می‌دهد.

### ارضای نیازهای مبتنی بر خودشیفتگی در کاربران

**اینستاگرام:** اکثر افراد در پاسخ به این سؤال به این موضوع اشاره کردند که چون خانواده و دوستانم این برنامه را داشتند و از عکس‌هایی که در آن منتشر شد به شدت تعریف می‌کردند من هم آن را نصب کردم و بعد از نصب این برنامه به خاطر جذابیتش آن را نگه داشتم. این پاسخ در کاربرانی دیده می‌شود که قبل از اینستاگرام در فیسبوک عضو نبوده‌اند و در رده سنی ۱۵ الی ۱۸ قرار دارند. اما زمانی که همین سؤال از کاربرانی پرسیده شد که تقریباً در رده سنی ۲۳ الی ۲۷ قرار داشتند همه با اشاره به این موضوع که اینستاگرام جایگزین فیسبوک شد به این سؤال پاسخ دادند. برای مثال کاربر ۲۶ ساله معتقد است: به این علت که همه دوستانم از فیسبوک رفته بودند و دیگر فعالیت نداشتند و همه در اینستاگرام فعالیت می‌کردند من هم آن را نصب کردم. در مثالی دیگر کاربر فعال ۲۵ ساله می‌گوید: «اینستاگرام شبیه فیسبوک است و وقتی اینستاگرام روی کار آمد که فیسبوک فیلتر شد و همه به آن روی آوردند و چون اینستاگرام فیلتر نشد و دسترسی به آن بسیار راحت است آن را نگه داشتم.

در دو جواب متفاوت به این سؤال نیز برخورد می‌کنیم: کاربر ۳۴

امروزه مردمان، دیگر در عطش رستگاری شخصی، یا احیا عصر طلایی سپری شده نیستند؛ بلکه مشتاق احساس کردن و توهّم لحظه‌ای خوشبختی، سلامت شخصی و روانی‌اند. (لش، ۱۹۷۹)

مریم، کاربر ۱۶ ساله فعال اینستاگرام می‌گوید: اینستاگرام خیلی وقت من را می‌گیرد و من وقتی وارد اینستاگرام می‌شوم حتی زمان و مکان را از دست می‌دهم. برای چندین بار با کسی در اینستاگرام دعوا کردم و چون نمی‌خواستیم که پست‌های او را ببینم و جلوی چشمم باشد، اینستاگرام را پاک کردم. این فرد با واکنش نشان دادن به نظر مخالف و انتقاد از او در بخش کامنت‌ها و نجوشیدن با دیگران خودشیفتگی را به نمایش می‌گذارد.

**جهان معنایی کاربران اینستاگرام:** پژوهش‌هایی چند ادعا می‌کنند رسانه‌های اجتماعی اعتماد به نفس ما را تقویت می‌کنند. مک ماهون بر آن است که رسانه‌های اجتماعی به افراد اجازه می‌دهند که در آمدن به قالب هویت‌های متفاوت را امتحان کنند و فضای امنی برای خود در جامعه بیابند. در عین حال او این مسئله را نیز تأیید می‌کند که رسانه‌های اجتماعی در مقطع زمانی، که به خودی خود بفرنج است، فشار اضافی را ایجاد می‌نمایند و می‌توانند افراد را به زیاده‌روی در به اشتراک‌گذاری وادار کنند. در شبکه اجتماعی اینستاگرام با توجه به صحبت‌های کاربران و تجربه‌های حضور در این برنامه، اگر پروفایل شما ملال‌آور باشد، لایکی دریافت نخواهید کرد، ولی اگر از چیزی در مورد خودتان پرده‌برداری کنید یا مطلبی حساسیت بر انگیز منتشر کنید، آن وقت است که لایک‌های بیش‌تری خواهید گرفت. این مسئله در نوع عکس‌ها و مطالبی که کاربران در اینستاگرام بارگزاری می‌کنند قابل مشاهده است. هر یک به نوع مثبتی سعی در جلب توجه افراد و گرفتن لایک از آن‌ها دارند و در واقع به خود نمایی و نمایش خود به گونه‌های متفاوتی می‌پردازند. میل به دیده شدن؛ تمایلی که روان‌شناسان آن را ذیل امیال اجتماعی و عاطفی انسان از قوی‌ترین امیال معرفی می‌کنند. نظریه‌پردازان شخصیت، میل به دیده شدن را تلاشی در راستای قوام بخشیدن به «خود» فرد می‌دانند؛ خودی که در نهایت «من» هر فرد را نیز می‌سازد. این «من» می‌تواند از میان «من»‌های پنجگانه هر فرد، در واقع برگرفته از تصور فرد از خودش، تصور دیگران از فرد و تصور او از تصور دیگران از خودش باشد.

مبینا کاربر ۲۷ ساله فعال در اینستاگرام که در رابطه با مسائل مختلف اعم از سیاسی، اجتماعی، خانوادگی فعالیت می‌کند می‌گوید: من در مورد مسائل مختلف پست می‌گذارم چون حس می‌کنم اگر راجع به مسئله‌ای همه اعتراض کنند می‌شود از آن نتیجه گرفت و نظرات من قطعاً کارساز خواهد بود. او تنها پست‌هایی را لایک می‌کند که دوست داشته باشد. حس خودبودگی با مصرف تصاویر

و کاستی‌های ما ندارد و در مقابل، آن دسته از گرایش‌هایی را تقویت می‌کند که از اساس با همدلی در تضاد است. لش با تکیه بر تحلیل‌های روان‌کاوانه ملانی کلاین از کودک خودشیفته و تعمیم آن به شخصیت خودشیفته معاصر، نتیجه می‌گیرد که بیمار خودشیفته اگر چه می‌تواند دیگران را تحت تأثیر قرار دهد، اما ارزش‌زایی از دیگران همراه با فقدان کنجکاوی درباره آن‌ها زندگی شخصی او را فقیر و بی‌محتوا کرده، احساس تهی بودن را تقویت می‌کند. او فاقد هرگونه تعهد و پیوند واقعی با جهان است و ظرفیت والایش اندکی دارد. از اینرو برای تحسین خود، به دیگران وابسته است و نوعی زندگی انگلی را ادامه می‌دهد. برای مثال به جز چند نفر، به این موضوع اشاره کردند که ما برای مدتی اینستاگرام را حتی برای چندین بار پاک کردیم. وقتی علت این کار از آن‌ها پرسیده شد، در پاسخ گفتند: چون خیلی وقتم را می‌گرفت و من هم کارهای مهم‌تری برای انجام دادن مثل درس خواندن داشتم برای همین پاکش کردم. یکی از کاربران ۲۶ ساله گفت: اینستاگرام حجم زیادی از الگودهی را به افراد می‌دهد، کار آن ساخت فرهنگ است، به ما می‌گوید چه جوری باید باشیم و حتی چه جوری لباس بپوشیم که از دیگران عقب‌نمانیم و این فردی را می‌سازد که من واقعی نیست و یک فرد تو خالی است. در همین جملات می‌شود این واقعیت را دریافت که کاربران عضو اینستاگرام بعد از مدتی حضور و فعالیت گسترده از آن خسته می‌شوند و تصمیم به پاک کردن آن می‌کنند تا من واقعی‌شان را بیابند و دوباره به علت ترس از تنها ماندن و انزوای اختیاری که به آن‌ها تلقین شده است و در واقع به نوعی اعتیاد به این برنامه اینستاگرام را نصب می‌کنند و شروع به فعالیت دوباره می‌کنند تا حس خودبودگی را بازیابند؛ چراکه به گفته لش او همواره در جست‌وجوی صمیمیت‌انی و هیجان بدون وابستگی به تعهد است. برای مثال یکی از کاربران معتقد است که اینستاگرام باعث محبوبیت افرادی شده است که هیچ صلاحیتی ندارند و من هم اگر بخواهم شبیه امثال آن‌ها معروف شوم راحت می‌شود و یا فرد ۱۴ ساله دیگری می‌گوید افراد عضو اینستاگرام چیزهایی را پست و استوری می‌کنند که به ما مربوط نیست و فقط می‌خواهند خودشان را به ما نشان دهند در صورتی که هیچی نیستند. در لحن و بیان این افراد و همچنین نوع جملاتی که به کار می‌برند حسادت کاملاً آشناست. افراد در اینستاگرام خود غیر واقعی‌شان را نشان می‌دهند و توهّم می‌زنند که این موقعیت را دارند و در این موقعیت خیلی خوشحال و راضی هستند. در این راستا، شاید برای خیلی از افراد دیگر آن شرایط مهیا نباشد و برای آن‌ها تبدیل به یک عقده بشود در صورتی که آن‌ها باور ندارند که خیلی از موقعیت‌ها توهّمی بیش نیست و شرایطی غیر واقعی به تصویر کشیده شده است. همان‌گونه که لش معتقد است

دارند و اگر غیر از این بود نه می‌توانستند حرف بزنند و نه کاری انجام دهند. وقتی تخصیص انرژی روانی بیش‌تر شود خودشیفتگی رخ می‌دهد. در واقع همه انسان‌ها درصدی از خودشیفتگی را در وجود خود دارند، اما بیمار خودشیفته از نظر کیفیت متفاوت نمی‌باشد و تفاوت او در کمیت است. اینستاگرام از آنجایی که مبتنی بر تصویر، ابراز وجود فردی و نشر هویت شخصی است در بروز و ظهور خودشیفتگی نقش بیش‌تری نسبت به سایر شبکه‌های اجتماعی ایفا می‌کند. همان‌گونه که کلاید می‌گوید: رسانه‌های اجتماعی مسبب اصلی اختلالات شخصیت نیستند، بلکه صرفاً امکان ظهور و تجلی آن‌ها را فراهم می‌کنند. اگر کسی خودشیفته باشد، می‌خواهد بازتاب‌های مثبتی از خود نشان دهد. او جهان را به دید آینه می‌نگرد و مرتباً دنبال تصدیق شدن است. از این رو برای چنین فردی محتمل است که بخش اعظمی از زندگی خود را با حساسیت بسیار زیاد و بنابر اقتضات رسانه‌های اجتماعی گزینش و پالایش کند. در این پژوهش مشخص شد که کاربران اینستاگرام از روش‌های مختلفی اعم از تکیه بر زیبایی چهره، دادن جلوه به تصاویر خود، هماهنگ بودن متن و عکسی که منتشر می‌کنند، اطلاع دادن به دیگران از وقایع روزمره خود، انتشار عکس‌هایی که تنها لحظات خوب آن‌ها را نشان می‌دهد، تکیه بر ویژگی‌های منحصر خود که در میان سایر کاربران وجود ندارد، تأکید بر متفاوت بودن خود به هر نوعی حتی در موارد بسیار کوچک، در برخی از کاربران عمومی کردن حریم خصوصی برای نمایش خود استفاده می‌کنند. برای یک کاربر اینستاگرام، لایک به منزله‌ی تحسین و نیز ایجاد رابطه اجتماعی و کامنت به منزله‌ی میدان گفت‌وگو است. برای او تعداد زیاد فالوئر‌ها ارزشمند است و هیچگاه دوستی واقعی در میدان فالوئر‌ها شکل نخواهد گرفت. کاربران اینستاگرام با نشان دادن تصویرهای بی‌عیب و نقص از خود که معمولاً به نظرشان بهترین عکسی است که می‌توانند در این فضا منتشر کنند و فضای خود را معرفی کنند و در واقع خود را به عنوان فردی نشان دهند که حالشان همه‌جوره خوب است و خوشبخت هستند و زندگی خود را به گونه‌ای نمایش می‌دهند که ممکن است کاربرانی که این تصاویر را می‌بینند، آرزو کنند به جای آن‌ها باشند در اینستاگرام فعالیت می‌کنند. همچنین کاربران اینستاگرام معتقدند که با گذاشتن لحظه‌های خود در اینستاگرام و نشان دادن شرایط و حالشان می‌توانند از دیگران انرژی بگیرند و حالشان را با آن‌ها شریک شوند. حتی یکی از کاربران با اشاره به این موضوع که از اعضای خانواده و دوستان خود دور است و در شهری دیگری زندگی می‌کند گفت: من عکس از خودم منتشر می‌کنم تا دیگران من را ببینند و رفع دلتنگی کنند. در بین کاربرانی که با آن‌ها مصاحبه شد و در کل با مشاهده صفحات اینستاگرام آن‌ها مشخص شد که کاربران

و بیان نظرات در این صحبت نمود آشکاری دارد و فرد با محور قرار دادن خود در انتخاب عکس‌ها تنها به لایک پست‌هایی می‌پردازد که از نظر او خوب هستند و لایق گرفتن لایک ارباب ۲۵ ساله دیگری معتقد است که او در اینستاگرام تنها پست‌هایی را منتشر می‌کند که راجع به خودش، افکارش و نوشته‌هایش باشد و در رابطه با مسائل مختلف مطلبی منتشر نمی‌کند، چون معتقد است نظرات او برای دیگران مهم نیستند. در این دو جمله تناقضی آشکار وجود دارد. از طرفی فرد با خودنمایی تنها پست‌هایی را به اشتراک می‌گذارد که کاملاً مرتبط با خودش باشد و تنها خودش مرکز توجه قرار گیرد و از طرف دیگر به سرکوب خود می‌پردازد که مگر نظرات من چقدر برای دیگران مهم است. شیما معتقد است در اینستاگرام افراد همه اتفاقات مسخره زندگی از بیمار شدن، غذا خوردن، ورزش کردن و ... به نمایش می‌گذارند و لحظه به لحظه زندگی خود را به تصویر می‌کشند که به نظر من نباید اینجوری باشد و من خودم اینکار را اصلاً انجام نمی‌دهم. در این عبارت نوعی خودستایی موج می‌زند. فرد معتقد است اینکه دیگران از لحظه‌های مختلف زندگی خود پست می‌گذارند کار مسخره‌ای است و اشتباه می‌کنند و چون او اینکار را انجام نمی‌دهد، درست است. بهنوش دختر تحصیل کرده ۲۶ ساله که مدتی است دیگر در اینستاگرام فعالیت نمی‌کند و به طور کل از این برنامه دوری کرده است، می‌گوید: «من اینستاگرام را بارها پاک کرده‌ام چون حس کردم آدم‌ها آن چیزی را که باید نشان نمی‌دهند و همه چیز را خیلی فراتر از زندگی واقعی به رخ می‌کشند. بهنوش می‌گوید: من حس کردم خیلی دارم در اینستاگرام غرق می‌شوم و خیلی برایم مهم که چه کسی، چه چیزی برایم کامنت می‌گذارد و من هم دارم غرق در این دنیای خودنمایی می‌شوم؛ به همین دلیل دوباره اینستاگرام را پاک کردم. در صحبت‌های بهنوش مشخص است که این کاربر خود متوجه دنیای پر از خودنمایی اینستاگرام شده است و دچار نوعی انزوای اختیاری گشته و سعی در کم کردن ارتباط خود با دیگران و دوری از فضای نشان دادن خود کرده است. صفحه‌ی شخصی هر فرد در اینستاگرام پرده‌برداری تصویری از ابعاد متکثر و پاره پاره‌ی ذهن و بیرون آوردن هر کس از بعد مخفی و باطنی وجودش به عالم تظاهر و ابراز است.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق حاکی از آن است که تمایلات خودشیفتگی در همه افرادی که با آن‌ها مصاحبه شد وجود دارد و اینکه امروزه اینگونه خصلت‌ها بیش‌تر قابل لمس شده است، از آنجا ناشی می‌شود که رسانه‌های اجتماعی به ویژه اینستاگرام رایج و همه‌گیر شده است. خودشیفتگی پدیده جدیدی نیست و تمامی انسان‌ها به خود علاقه

مضاعف کند. همان‌گونه که در تمدن و ناخرسندی‌های آن، فروید به منظور معین کردن اینکه فرهنگ مدرن چگونه به آسیب روانی در فرد منجر می‌شود، دیدگاه‌های روانکاوانه را به مسائل اجتماعی اعمال می‌کند، به این صورت که الگوی رابطه فرزند و والدین را که در آثار قبلی‌اش به آن پرداخته بود، به تعامل فرد و جامعه تعمیم می‌دهد. در تمامی کاربران اینستاگرام که به نوعی خود را تسلیم تمدن و جامعه و عوامل ناشی از آن کرده‌اند به چشم می‌خورد و کاربر ۱۶ ساله با عکس‌هایی که در صفحه شخصی‌اش منتشر می‌کند و با گفتن این نکته که اگر پدرم متوجه بشود که من اینستاگرام دارم و از خود عکس می‌گذارم گوشی‌ام را از من می‌گیرد بر این موضوع که تمدن نه فقط آدمی را از حفظ هویت فردی محروم می‌کند، بلکه همچنین بیماری خودشیفتگی را نیز موجب می‌شود، صحنه می‌گذارد؛ چراکه فرد در هویت شخص خودش با آنچه خانواده‌اش می‌پسندد متفاوت است و اینستاگرام به عنوان شبکه اجتماعی نو پدید در تمدن حاضر در هویت فرد بسیار تأثیرگذار است در این پژوهش مشخص شد که کاربران پس از مدتی فعالیت در اینستاگرام از آن خسته می‌شوند و دیگر جذابیتهای برایشان ندارد و دچار نوعی انزوای اختیاری می‌شوند و فعالیت در آن را تهی می‌بینند اما پس از مدتی به علت اعتیادی که به این رسانه اجتماعی دارند و همچنین به علت ترس از راکد شدن دوباره برمی‌گردند و به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهند. در نهایت، رسانه‌های اجتماعی (اینستاگرام) به خودشیفتگی از پیش موجود افراد دامن می‌زند و آن را تقویت می‌کند؛ اما به سختی می‌توان راجع به ارتباط مستقیم خودشیفتگی در میان نسل هزاره با اینستاگرام به عنوان یک شبکه اجتماعی حکم قطعی صادر نمود. در یک جمله کلی می‌توان گفت: دلایل اصلی استفاده افراد از اینستاگرام، نظارت/کسب دانش در مورد دیگران، مستندسازی، کسب اعتماد به نفس و خلاقیت است. با توجه به کیفی بودن روش تحقیق و استفاده از مصاحبه در یافتن نتایج تحقیق، کاربران به راحتی انجام مصاحبه را قبول نمی‌کردند و برای پیدا کردن نمونه‌های تحقیق از دوستان و آشنایان کمک گرفته شد، که جلب این اعتماد بسیار زمان‌بر بود. با توجه به اینکه با افرادی مصاحبه می‌شد که در اینستاگرام فعال و شناخته شده بودند، عدم صداقت در گفته‌های برخی از کاربران تا حدودی مشهود بود و تفاوت میان گفته و نوع فعالیت در اینستاگرام به چشم می‌خورد. تحقیق کیفی نیازمند زمان بیش‌تری است، در حالی که محقق از نظر زمانی با محدودیت‌هایی مواجه بود.

تصاویری را منتشر می‌کنند که بر جنبه‌های مثبت و زیبای زندگی آن‌ها تکیه دارد و از نمایش تصاویری که نشان‌دهنده مشکلات، ناملاپتمنی‌ها و همچنین لحظه‌هاییست که حال آن‌ها خوب نمی‌باشد خودداری می‌کنند. در واقع کاربران با سرکوب بخش‌های منفی شخصیت خود و زندگی‌شان به ارائه تصاویری ایده‌آل از خود که برای مخاطبان‌شان نیز خوشایند است می‌پردازند و این مصداق نظریه گافمن مینی بر «مصرف مخفیانه» است که می‌گوید: اگر کسی بخواهد در طول اجرایش به معیارهای ایده‌آل نمود بخشد، مجبور است کنش‌هایی را که با این معیارها تناسب ندارند، مخفی یا حذف کند. استفاده از تکنیک‌های دستکاری در عکس‌ها اعم از روتوش، تنظیم نور و افکت‌هایی که نقص‌های چهره و بدن را می‌پوشاند در بین کاربران اینستاگرام رایج است و این نشان‌گر این مطلب است که همه دوست دارند تصویری ایده‌آل از خودشان ارائه دهند که ممکن است با خود واقعی آن‌ها بسیار فاصله داشته باشد. اگرچه نوع و میزان بهره‌گیری از امکان ویرایش عکس‌ها بستگی زیادی به قابلیت‌های خود کاربر دارد، اما ابزارها و فیلترهایی به صورت پیش فرض در اینستاگرام تعریف شده است و به تمام کاربران با سطوح مختلف آشنایی با اصول و ابزارهای ویرایشی، فرصت نزدیک‌سازی فضای عکس به تصویر ایده‌آل را می‌دهد به همین دلیل در اینستاگرام با عکس‌ها و بدن‌های دستکاری شده و تغییر یافته‌های مواجه هستیم که به واسطه اشتراک‌گذاری در اینستاگرام به شناخته شدن کاربر منتهی می‌شوند. در این بین اشاره به این نکته ضروری است که با توجه به این موضوع که سوژه‌های مصاحبه از بین رده‌های مختلف سنی انتخاب شدند، جوانان در رده سنی ۱۷ تا ۲۱ و نوجوان ۱۴ سال‌های که بسیار در اینستاگرام فعال بود و با او مصاحبه شد به نوعی سعی در انکار فعالیت‌های خود در اینستاگرام دارند و معتقدند که نظرات دیگران برایشان اصلاً اهمیتی ندارند و تنها خودشان مهم هستند که آن عکس را دوست داشته باشند؛ در حالی که اینستاگرام آن‌ها چیزی جز این موضوع را نشان می‌دهد در این تحقیق مشخص شد که، افراد مبتلا به خودشیفتگی، تمایل دارند عکس‌های سلفی از خود ارائه دهند، تصویر پروفایل خود را بیش‌تر به روز کنند و زمان بیش‌تری را در اینستاگرام، در مقایسه با هم‌تایان خود، بگذرانند. آن‌ها همچنین عکس‌های پروفایل خود را از نظر ظاهری جذاب‌تر نشان می‌دادند. نسل هزاره به شکلی ویژه در معرض اثرات بالقوه سو رسانه‌های اجتماعی هستند و همان‌طور که اشاره شد این جوانان برای یافتن موقعیت خود در جامعه و کسب استقلال از مراقبان دوران کودکی، ضرورتاً دوره‌های از خودشیفتگی را سپری می‌کنند. اینستاگرام در این بین می‌تواند تأثیرات گذار از این مرحله رشد را برای آنان تا حد نامناسبی

## جدول شماره ۱ - مقوله‌ها

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی
تکنیک‌های خودنمایی	چارچوب صحنه / اجرای تئاتری / توانمندی / ازدیاد تصاویر / سرکوب بخش‌های منفی / اشتراک‌گذاری لحظه‌ها / علایق / لایک به منزله تحسین / کامنت به منزله میدان گفت‌وگو
جهان معنایی کاربران اینستاگرام	خودنمایی / خودستایی / خودمحوری / خودبودگی / ارتباط گسترده / ارتباط کم عمق / ارتباط حداقلی / صمیمیت آنی و هیجانی / دگر شیفتگی / مهم بودن عوامل بیرونی
ابعاد رفتارهای کاربران اینستاگرام مبتنی بر خودشیفتگی	ترس از راکد شدن / انزوای اختیاری / تهی بودگی / تعاملات خاص / نجوشیدن با دیگران / روی گرداندن
ارضا نیازهای مبتنی بر خودشیفتگی	گرایش به ادغام / وابستگی / هویت‌یابی / دست‌یازی به شادکامی
علایق مبتنی بر خودشیفتگی در کاربران اینستاگرام	مشتاق ستایش / خواست شناخته شدن / خواست برنده بودن / تمایل به معرفی فضای خود / یافتن همانندها

## فهرست منابع

- Brookes, J. (2015). "The effect of overt and covert narcissism on self-esteem and self-efficacy beyond self-esteem", *Personality and Individual Differences*; 85: 172-175.
- Cheek, JM., Hendin, HM. & Wink, PM. (2013). "An extended version of the Hypersensitive Narcissism Scale, Association for Research in Personality", At Charlotte, NC.
- Fosse, TH., Buch, R., Säfvenbom, R. & Martinussen, M. (2015). "The impact of personality and self-efficacy on academic and military performance: The mediating role of self-efficacy", *Journal of Military Studies*; 6(1): 47-65.
- Foster, JD., Campbell, WK. & Twenge, JM. (2003). "Individual differences in narcissism: Inflated self-views across the lifespan and around the world", *Journal of Research In personality*; 37: 469-486.
- Jinks, J. & Morgan, O. (1999). "Children's perceived academic self- efficacy: An Inventory Scale", *Clearing House*; 72(4): 224-230.
- Malkin, C. (2016). "Rethinking Narcissism: The Secret to Recognizing and Coping with Narcissists", Publisher: Harper Perennial.
- آخانی، افسانه، عاشوری، احمد، حسن‌زاده، فاطمه، پورخاقان، فاطمه، و رئیسی سرتشنیزی، زهرا. (۱۴۰۱). "ویژگی‌های روانسنجی سیاهه خودشیفتگی بیمارگون در نمونه‌ای از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران در سال ۱۳۹۸"، *مجله روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۲۸(۱): ۹۰-۱۰۵.
- پاینده، حسین. (۱۳۸۰). "کریستوفر لش و فرهنگ خودشیفتگی"، *مجله ارغنون*، شماره ۱۸.
- جلالی عاشق آبادی، پیوند. (۱۳۹۱). "رابطه عزت نفس، شرم و خودشیفتگی در دانشجویان"، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی عمومی*.
- جنابآبادی، حسین. و حسینی، مژگان. (۱۳۹۸). "رابطه سبک‌های ارتباطی والدین با خودشیفتگی در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوره دوم شهر بیرجند"، *روان‌شناسی مدرسه و آموزشگاه*، ۸(۳)، ۴۷-۸۶.
- خدابنده‌لو، سعید. و رحیمیان بوگر، اسحق. (۱۳۹۷). "بررسی سبب‌شناسی و تحول خودشیفتگی از منظر روان‌پویشی"، *رویش روان‌شناسی*، ۷(۴): ۲۱۲-۱۹۵.
- روشن‌زاده، فهیمه. و رضایی، آذرمیدخت. (۱۳۹۵). "نقش عملکرد خانواده با خودشیفتگی در دختران نوجوان"، *فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه*، ۷ (ویژه نامه)، ۱۸۳-۱۹۴.
- شعبانی، عباس. و شکری، سپیده. (۱۳۹۸). "ارتباط بین شخصیت جامعه پسند و خودشیفتگی با سلامت اجتماعی جوانان ورزشکار والیبال استان تهران"، *پژوهش اجتماعی*، ۱۱(۴۲)، ۶۲-۷۴.
- عسکری، سعید، رشیدی، علیرضا، نقشبند، طیبه. و شریفی، سارا. (۱۳۹۴). "رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و تمایز یافتگی خود با کیفیت زندگی زنان متقاضی طلاق"، *رویش روان‌شناسی*، ۴(۱۱)، ۸۷-۱۱۲.
- کریمی، حسنی. و میرزایی جاهد، عاطفه. (۱۳۹۹). "پیش‌بینی مشکلات بین فردی براساس خودشیفتگی و دلبستگی"، *خانواده و بهداشت*، ۱۰(۲)، ۴۹-۶۰.
- موسوی‌نسب، سعیده سادات، سلیمانی، مهدی. و محمدی، ابوالفضل. (۱۴۰۱). "مقایسه‌ی خودشیفتگی مرضی و ابعاد آن در افراد مبتلا به اختلال مصرف مواد با افراد غیربالینی"، *مجله روان‌شناسی و روانپزشکی شناخت*، ۹(۱): ۱۱۷-۱۰۶.
- Barry, TD. & Frick, PJ. (2003). "The relation of narcissism and self- esteem to conduct problems in children: A preliminary investigation", *Journal of clinical child and adolescent psychology*; 32(1): 139-152.

## **Sociological Analysis of Factors Affecting Girls' Narcissism in Social Networks with an Emphasis on the Instagram Social Network**

**Masomeh Bagheri, Maryam Ghelichi**

### **Abstract**

This article examines the relationship between the two concepts of narcissism and Instagram and examines the role of social networks in creating or increasing the pre-existing narcissism of people. In addition to examining Christopher Lash's opinions about modern society and narcissists of our time and era, we measured the relationship between Instagram and narcissism by borrowing from Sigmund Freud's theories, which proposed two types of primary and secondary narcissism, as well as Irving Goffman's "performance society" theory. Meanwhile, Baudrillard's theories have been another useful theory in advancing this research. Based on the results and theories used in this research, it was found that a huge part of a person's attention in life matters is to create a positive feedback of himself for others. Narcissistic tendencies are present in almost all people, and the fact that such traits are more palpable today comes from the fact that social media, especially Instagram, has become one of the most common and widespread programs, and the features of these media are the possibility of appearing and It has enabled the emergence of phenomena such as narcissism.

**Keywords:** narcissism, social network, Instagram.